

## اولویتهای چین در برقراری و توسعه مناسبات با آفریقا

مناسبات چین با کشورهای واقع در قاره آفریقا، از قدمت زیادی برخوردار نیست و سابقه همکاریهای فی مابین را می توان در یک بستر پنجاه ساله مورد بررسی و کنکاش قرار داد. استراتژی چین در قبال آفریقا طی سه دهه اول (از زمان به قدرت رسیدن حزب کمونیست در چین سال ۱۹۴۹) همواره مبتنی بر مناسبات و همکاریهای ایدئولوژیک بود. این جهت گیری بر اساس سیاستهای انقلابی چین و از سوی دیگر، تلاش کشورهای آفریقایی برای استعمار زدایی در فاصله دهه های ۱۹۵۰ لغایت ۱۹۷۰ شکل گرفته بود. بعد از شروع سیاست اصلاحات و درهای باز در اواخر دهه ۷۰ در چین، این شیوه نگرش رنگ باخت. در یک دهه اخیر و با تغییر جایگاه چین از یک قدرت منطقه ای به یک قدرت در حال ظهور بین المللی، همکاریهای دو طرف وارد مرحله جدیدی شده است و مسائل اقتصادی بعنوان مرکز ثقل همکاریهای دو طرف، مورد توجه جدی مقامات پکن قرار دارد. امروز چین ولع زیادی برای سرمایه گذاری در تمام کشورهای آفریقایی (با ثبات و یا حتی گرفتار ناآرامی های داخلی) دارد. با توجه به اوضاع سیاسی کشورهای آفریقایی و همچنین نقش قدرتهای خارجی به ویژه ایالات متحده و فرانسه در آفریقا، سیاست چین در قبال آفریقا با ریسک پذیری بالا تعبیر می گردد.

## جذابیت‌های آفریقا برای چین

قاره آفریقا دارای جذابیت‌های زیادی برای چین می‌باشد. با توجه به رشد سریع و اقتصاد پویای چین، ویژگی‌های آفریقا از جمله؛ منابع انرژی، بازار مصرف برای کالاهای ارزانتر چینی، منابع غنی معدنی و طبیعی و... مورد توجه پکن قرار دارد. در ذیل به اختصار برخی از اولویت‌های پکن در برقراری و توسعه مناسبات با آفریقا؛ مورد اشاره قرار می‌گیرد؛

**۱- انرژی:** یکی از جذابیت‌های آفریقا برای چین، موضوع انرژی است. سرعت بالای رشد اقتصادی در چین و محدودیت‌های منابع انرژی باعث گردیده که دومین کشور وارد کننده نفت خام جهان، تداوم رشد و توسعه اقتصادی خود را در گرو مقوله امنیت انرژی مورد نیاز خود بداند. مضافاً اینکه با توجه به حضور و تسلط قدرتهای خارجی بر اکثر منابع و ذخایر نفتی دنیا، چین بعنوان یک قدرت نوظهور بین‌المللی از قدرت مانور کمی برخوردار می‌باشد. در حال حاضر نفت خام بیش از ۷۳ درصد از کل صادرات آفریقا به چین را در بر می‌گیرد.

**۲- منابع سرشار معدنی:** جذابیت دیگر آفریقا، منابع سرشار معدنی در آن قاره است. این منابع، مواد مختلف از آلومینیم تا زیرکونیم<sup>۱</sup> را دربر می‌گیرد.<sup>۲</sup>

بر اساس برنامه پنج ساله یازدهم طرح توسعه ملی چین، طی سالهای ۲۰۰۶ لغایت ۲۰۱۰، طرحهای تحقیقی و توسعه‌ای در حوزه منابع معدنی از اولویت بالایی برخوردار می‌باشند. این امر برای تثبیت رشد اقتصادی این کشور نقش حیاتی دارد. طبق برآورد تحقیقاتی دانشگاه مرکزی جنوب چین، در صورتی که میزان ذخایر مواد معدنی این کشور در سطح ذخایر سال ۲۰۰۵ باقی بماند، طی دهه‌های آتی، این کشور با مسائل عدیده‌ای مواجه خواهد شد. بعنوان مثال ظرف ۱۲ سال منابع «مس» چین به پایان خواهد رسید. همچنین منابع «نیکل» برای ۴۰ سال و «زینک» تنها برای ۱۸ سال موجود خواهد بود.<sup>۳</sup>

در میان کشورهای آفریقایی، چین به آفریقای جنوبی بعنوان مهمترین کشور معدنی قاره نگاه ویژه‌ای دارد. آفریقای جنوبی بزرگترین تولیدکننده طلا و صاحب معادن غنی «پلتنوم» و ۸۰ درصد «منگنز» دنیاست.

**۳- بازار مصرف:** بازار مصرف هفتصد میلیون نفری کشورهای آفریقایی می‌تواند فرصت مناسبی برای کالاهای ارزانتر و کم کیفیت‌تر چینی باشد. از سوی دیگر موقعیتی برای ارتقاء توان فنی و تکنولوژیک صنایع کوچک و متوسط این کشور محسوب می‌گردد. در حالی که این دسته از کالاها، در اروپا و آمریکا و حتی کشورهای آسیایی، دیدگاه نامناسبی نسبت به بازار و محصولات چینی بوجود آورده است. امروز، چین بعنوان یک قدرت نوظهور بین‌المللی، تلاش دارد تا با افزایش استانداردهای کیفی، بعنوان قدرت مطرح اقتصادی در دنیا جلوه نماید. بدیهی است تحقق این امر، جز با همکاری شرکتها و صنایع کوچک و متوسط چین با بازارهای در حال توسعه و توسعه نیافته به منظور افزایش مهارت و دانش فنی میسر نمی‌گردد.

از سوی دیگر، نباید از نظر دور داشت که این کشور فاصله زیادی با استانداردهای توسعه همه جانبه دارد. بدین ترتیب، بخش قابل ملاحظه‌ای از اقتصاد و بنگاههای اقتصادی چین از زیرساختارهای سنتی برخوردار می‌باشند که عدم امکان تولید و سودآوری برای آنها، می‌تواند تبدیل به یک بحران عظیم داخلی گردد که از تبعات آن؛ کاهش تولید، افزایش بیکاری، گسترش فقر و... می‌باشد. در نتیجه بازارهای آفریقا فرصت مناسبی برای این گروه از تولیدکنندگان چینی بحساب می‌آیند.

**۴- افزایش قدرت چانه‌زنی در مجامع و سازمانهای بین‌المللی:** در حال حاضر

چین با ۴۸ کشور از مجموع ۵۳ کشور آفریقایی دارای مناسبات سیاسی و دیپلماتیک می‌باشد. با توجه به جهت‌گیری مناسبات دو طرف، این کشورها می‌توانند بعنوان وزنه

مهمی برای چین در سازمانها و مجامع بین‌المللی، برای افزایش قدرت چانه‌زنی محسوب گردند. بدیهی است این ویژگی و امتیاز برای کشوری همچون چین که می‌خواهد خود را بعنوان یک قدرت جدید بین‌المللی مطرح نماید، در خور توجه می‌باشد.

در مجموع و با توجه به جذابیت‌های فوق‌الذکر، فعالیت‌های چین در آفریقا به سه حوزه؛ «تجارت، سرمایه‌گذاری و ارائه کمک‌های مختلف به کشورهای آفریقایی» تقسیم می‌گردد که در ذیل به اختصار به آن خواهیم پرداخت؛

**الف) مناسبات تجاری چین با آفریقا:** همانطور که پیش از این عنوان شد، در سه دهه اول، برقراری مناسبات چین و آفریقا، تعاملات فی مابین مبتنی بر مناسبات و همکاری‌های ایدئولوژیک بود. این نگرش بر اساس سیاست‌های انقلابی چین و تلاش کشورهای آفریقایی برای استعمارزدایی شکل گرفته بود. بعد از شروع سیاست اصلاحات و درهای باز در اواخر دهه ۱۹۷۰ در چین، این سیاست رنگ باخت. بطوری که تنها در دهه ۱۹۹۰، حجم مناسبات تجاری میان چین و آفریقا به میزان ۷۰۰ درصد رشد داشت. در سال ۱۹۹۵ میزان واردات چین از آفریقا حدود ۱/۴ میلیارد دلار بود. در سال ۲۰۰۰ این رقم به مرز ۱۱ میلیارد دلار رسید. در سال ۲۰۰۶ تجارت دو طرف به مرز ۵۶ میلیارد دلار رسید. در آن سال، واردات چین از آفریقا از مرز ۲۸/۸ میلیارد دلار گذشت و صادرات چین به آفریقا بالغ بر ۲۶/۷ میلیارد دلار گردید.<sup>۴</sup> در سال ۲۰۰۶، چین اولین برنامه سیاسی خود در قبال آفریقا را تحت عنوان «سیاست آفریقایی چین» تدوین نمود. در برنامه فوق، ایجاد «موافقتنامه تجارت آزاد با آفریقا»<sup>۵</sup> مورد تاکید قرار گرفته است.<sup>۶</sup>

در حال حاضر، چین سومین شریک تجاری آفریقا بعد از ایالات متحده و فرانسه محسوب می‌گردد. همچنین بر اساس برنامه تدوینی دولت چین، حجم مناسبات دو جانبه

تا پایان سال ۲۰۱۰ بالغ بر ۱۰۰ میلیارد دلار می‌گردد.<sup>۷</sup> بدین ترتیب چین طی دو سال آتی، از ایالات متحده و فرانسه پیشی خواهد گرفت و اولین و بزرگترین شریک تجاری آفریقا خواهد گردید.<sup>۸</sup>

در زمینه تجارت، بیشتر صادرات آفریقا به چین در حوزه انرژی قرار دارد. مهمترین کشورهای آفریقایی صادرکننده نفت به چین، سودان و آنگولا می‌باشند که طی سالهای ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ چین سرمایه‌گذاری زیادی در حوزه نفتی آنها انجام داده است. در حال حاضر آنگولا مهمترین تامین‌کننده نفت چین محسوب می‌گردد.

در سال ۲۰۰۶ سه کشور؛ آنگولا با ۱۰/۹ میلیارد دلار، آفریقای جنوبی ۴/۰۹ میلیارد دلار و جمهوری دموکراتیک کنگو با ۲/۷۸ میلیارد دلار بزرگترین واردکنندگان محصولات چینی بودند.

**تسلیمات چینی در آفریقا:** چین تلاش دارد که صنعت تسلیحاتی خود را تا سال ۲۰۲۰ کاملاً مدرنیزه نموده و این کشور را به بزرگترین صادرکننده اسلحه در جهان تبدیل نماید. در همین راستا، نقش ارتش آزادیبخش خلق در ساختار اقتصادی چین و مناسبات تجاری آن کاملاً آشکار است. بر همین اساس بود که در سال ۱۹۹۸ آقای «جیانگ زمین» رئیس جمهور وقت چین اعلام نمود که تمام تجارتها باید با PLA مرتبط باشد. و به دنبال آن، در سال ۱۹۹۹ اصلاحات مهمی در صنایع دفاعی چین صورت گرفت.<sup>۹</sup>

کشورهای آفریقایی نیز به عنوان فرصتی مناسب برای فروش و تقویت دانش و بنیه نظامی چین مورد توجه پکن می‌باشند. شاید یکی از مهمترین و جنجال برانگیزترین فروش تسلیحاتی چین به آفریقا، مربوط به فروش ۲۴۰ میلیون دلاری تسلیحاتی چین به آقای «رابرت موگابه» در زیمبابوه باشد.<sup>۱۰</sup> همچنین در درگیریهای سودان نیز به

کرات موضوع سلاحها و مهمات چینی بحث برانگیز بوده است. همچنین گزارشها و اسناد متعددی (به ویژه توسط سازمان عفو بین‌الملل) در مورد فروش سلاح توسط چین به لیبریا و نیجریه وجود دارد. البته نباید فراموش کرد که فروش تسلیحات چین به آفریقا به مراتب کمتر از میزانی است که آمریکا، روسیه، فرانسه و بریتانیا به آفریقا می‌فروشند.<sup>۱۱</sup>

**ب) سرمایه‌گذاری چین در آفریقا:** با توجه به جذابیت‌های آفریقا به ویژه در حوزه انرژی، طی سالهای اخیر چین به اولین کشور سرمایه‌گذار در آفریقا بدل گردیده است. در حال حاضر بیش از ۸۰۰ شرکت وابسته به دولت چین در سراسر قاره آفریقا حضور دارند. شرکتها و موسسات چینی تا کنون بیش از ۶ میلیارد دلار در بیش از ۹۰۰ پروژه (به ویژه در حوزه صنعت نفت) در سراسر قاره آفریقا سرمایه‌گذاری کرده‌اند.<sup>۱۲</sup> البته این میزان، تنها سه درصد از کل سرمایه‌گذاری مستقیم (FDI) چین در خارج از مرزهای این کشور در سال ۲۰۰۶ بوده است. در حالی که در آسیا و آمریکای لاتین ارقام ۵۳ و ۳۷ درصد را ثبت نموده است. ولی قطعا فرصتها و پتانسیلهای زیادی برای توسعه و افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم این کشور در آفریقا متصور می‌باشد.<sup>۱۳</sup>

الگوی عمومی سرمایه‌گذاری چین در آفریقا با شیوه و عملکرد کشورهای اروپایی کاملا متفاوت است. یکی از تفاوت‌های اصلی این است که چین، اقتصاد کلان آفریقا (جدای از مسائل و مشکلات آفریقا از فساد اداری تا جنگ‌های داخلی) را در حال پیشرفت می‌داند. این در حالی است که سرمایه‌گذاران غربی چنین برداشتی ندارند. تولیدکنندگان چینی قاره آفریقا را فرصت ویژه‌ای برای فروش کالاهای ارزانتر و کم کیفیت‌تر خود می‌دانند.

از سوی دیگر، سرمایه‌گذاری غرب در آفریقا همواره با ملاحظات نظیر لزوم رعایت حقوق بشر، مبارزه با فساد، اصلاحات و... مورد لحاظ قرار گرفته است. علاوه بر آن، سابقه استعماری کشورهای اروپایی همواره نقش بازدارنده داشته است. در حالی که چین در حضور و مناسبات خود با آفریقا، سابقه نیم قرن مناسبات دوستانه و حمایت از جنبش‌های آزادیبخش آفریقایی را داشته و در حوزه عمل نیز بر «عدم دخالت در امور داخلی کشورها» تاکید می‌نماید. بعلاوه، ظرفیتهای پائین نیروی کار، زیرساختهای ضعیف و بازار توسعه نیافته آفریقا<sup>۱۴</sup> باعث شده که توجه سرمایه‌گذاران بین‌المللی تا به امروز کمتر به آفریقا جلب گردد و حتی بیش از ۴۰ درصد از سرمایه‌های این قاره‌ها به خارج از آن فرار کرده است.

طی سالهای اخیر، چین هیچ محدودیتی برای ارائه کمکهای فاینانسی و تکنیکی به آفریقا قائل نگردیده است. اعطای کمکها، در قالب وامهای کم بهره و وامهای بدون بهره به کشورهای آفریقایی صورت می‌گیرد. شاید بهترین نمونه، سرمایه‌گذاری شرکتهای چینی در آنگولا باشد. چین در سال ۱۹۹۵ و در دوره جنگهای داخلی آنگولا در صنعت نفت آن کشور سرمایه‌گذاری کرد. در همان سال، صادرات نفت آنگولا به ارزش ۱۳۵/۷ میلیون دلار بود. در سال ۲۰۰۲ جنگهای داخلی ۲۷ ساله آنگولا پایان یافت و با افزایش سرمایه‌گذاری چین در آن کشور، در سال ۲۰۰۶ آنگولا به بزرگترین شریک تجاری چین در آفریقا بدل شد. کمکهای توسعه‌ای چین به آنگولا باعث گردید که آن کشور بالاترین رشد GDP در کل قاره را کسب کند. بطوری که رشد GDP آنگولا در سال ۲۰۰۷ از مرز ۲۰ درصد گذشت. در سال ۲۰۰۶ آنگولا ۱۰/۹۳ میلیارد دلار نفت به چین صادر کرد و به عضویت اوپک درآمد.<sup>۱۵</sup>

در سال ۲۰۰۴ چین موافقت نمود که سه میلیارد دلار اعتبار LC در اختیار دولت آنگولا قرار دهد که این میزان تا سال ۲۰۰۷ به ۱۱ میلیارد دلار افزایش یافت.<sup>۱۶</sup> در جنوب آفریقا، آنگولا بعنوان مهمترین کشور نفت خیز آن حوزه، در سال ۲۰۰۱ روزانه حدود ۷۲۲ هزار بشکه نفت تولید می نمود که این رقم در سال ۲۰۰۳ به ۹۳۰ هزار بشکه افزایش یافت. بر اساس برآورد بعمل آمده از منابع آن کشور، آنگولا قادر خواهد بود تا سال ۲۰۲۰ میزان تولید نفت خام خود را روزانه بالغ بر ۳/۳ میلیون بشکه نماید. از سوی دیگر نیجریه نیز تا سال ۲۰۲۰ می تواند تولید روزانه نفت خود را به بیش از ۴/۴ میلیون بشکه افزایش دهد.<sup>۱۷</sup>

در سال ۲۰۰۶ چین بیش از ۲/۳ میلیارد دلار در صنعت نفت نیجریه سرمایه گذاری نمود.<sup>۱۸</sup> افزون بر این، برخی تولیدکنندگان کوچک نفت در آفریقا مانند گینه، چاد و سودان می توانند بر اساس برآوردهای بعمل آمده تولیدات خود را تا سه برابر افزایش دهند. همچنین علاوه بر ۱۲ کشور دارای منابع نفتی آفریقا، در آینده پنج کشور تانزانیا، کنیا، موزامبیک، اوگاندا و ماداگاسکار نیز می توانند به این جرگه بپیوندند.<sup>۱۹</sup> اینها معادلاتی است که مقامات پکن بر روی آن سرمایه گذاری کرده اند.

بدیهی است که سرمایه گذاریهای چین در آفریقا با درصد بالای از ریسک همراه است. در ۲۴ آوریل سال ۲۰۰۷، چریکهای شبه نظامی در اتیوپی، به یکی از میادین نفتی در اختیار شرکتهای چینی حمله کردند که در این حادثه ۷۷ نفر کشته شدند. از سال ۲۰۰۴ تاکنون، دهها کارگر، مهندس و تکنسین چینی در نیجریه، کنیا و سایر کشورهای آفریقایی کشته و یا ربوده شده اند. علاوه بر آن، بارها کارگران آفریقایی در آنگولا، زامبیا، مراکش و نیجریه علیه سیاستهای کاری چین دست به تظاهرات زده اند که مهمترین آن، تظاهرات کارگران معدن مس گامبیشی<sup>۲۰</sup> در زامبیا می باشد که در جریان آن، بیش از ۵۰۰ نفر از

کارگران زامبیایی بخاطر شرایط بد کار و دستمزد پائین (ماهانه کمتر از ۵۴ دلار) دست به تظاهرات زدند.<sup>۲۱</sup>

بدین ترتیب، ثبات سیاسی در قاره آفریقا، برای چین از اهمیت زیادی برخوردار است. غالباً سرمایه‌گذاری‌های چین در آفریقا با شیوه ۴۵ درصد دولت محل و ۵۵ درصد شرکت چینی صورت می‌گیرد.

آفریقا در حال حاضر، حدود ۱۲ درصد منابع نفت خام دنیا را در بر دارد. در سال ۲۰۱۳، تولید نفت خام آفریقا حدود ۱۰/۷ لغایت ۱۱/۴ میلیون بشکه خواهد شد و در سال ۲۰۱۸، این رقم به ۱۲/۴ لغایت ۱۴/۵ میلیون بشکه در روز افزایش می‌یابد.<sup>۲۲</sup> در سال ۲۰۰۷، تولیدات نفت خام آفریقا، ۲۲ درصد کل مصرف آمریکا و ۲۸ درصد کل مصرف چین را تامین می‌نمود. در حالی‌که در سال ۲۰۰۶ آفریقا تنها ۹ درصد مصرف چین و ۳۳ درصد مصرف آمریکا را تامین می‌کرد. این ارقام نشان می‌دهد که حضور چین طی سالهای اخیر در قاره آفریقا روند صعودی داشته است.

البته از سال ۲۰۰۱ تا به امروز، حضور و تجارت اکثر قریب به اتفاق کشورهای توسعه یافته در آفریقا (به ویژه در حوزه نفت و گاز) افزایش داشته است. تنها چیزی که چین را از سایر کشورهای رقیب در آفریقا متمایز می‌سازد، حضور پررنگ دولت چین در مناسبات آن است.<sup>۲۳</sup> بعنوان مثال، ۵ میلیارد دلار وام دولت چین به کشور آنگولا برای سرمایه‌گذاری در حوزه نفت طی سالهای ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۶ یکی از این موارد است. و یا تخصیص ۵ میلیارد دلار برای صندوق سرمایه‌گذاری در آفریقا در جریان «اجلاس سران آفریقا در پکن در نوامبر ۲۰۰۶» از دیگر نمونه‌هاست.

همچنین سفر مقامات ارشد چینی از جمله رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر و وزیر خارجه به آفریقا گواه دیگری بر این مدعاست. آقای «خوجین تائو» رئیس‌جمهور چین طی سالهای

۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ به بیش از ۱۷ کشور آفریقایی سفر می‌نماید و رتبه اول تعداد سفرهای آفریقایی را کسب کرد.

**ج) کمکهای چین به کشورهای آفریقایی:** نکته حائز اهمیت دیگر، کمکهای چین به آفریقا است. این بخش مناسبات چین با آفریقا بیشترین چالش را در مناسبات آفریقا با سایر کشورها ایجاد کرده است. برنامه کمکهای چین به آفریقا از دهه ۱۹۶۰ آغاز گردیده است. البته در آن سالها، بجز پروژه خط آهن تانزانیا به زامبیا، و برخی استادیومهایی که با کمک چین در مناطق مختلف قاره ساخته شد، میزان این کمکهای قابل ملاحظه نبوده است.

در جریان اجلاس نوامبر ۲۰۰۶ سران آفریقا در پکن، چین میزان کمکهای بشر دوستانه خود به آفریقا را افزایش قابل ملاحظه‌ای داد. تقبل تاسیس ۱۰۰ مدرسه در مناطق روستایی پیش از سال ۲۰۰۹ از جمله این کمکهاست. این کمکها هیچگاه مشروط به انجام اقداماتی از سوی کشورهای آفریقایی و پیش شرط نبوده است.

### اجلاس سران چین و آفریقا:

اجلاس سران آفریقا در نوامبر سال ۲۰۰۶ در پکن بزرگترین گردهمایی دیپلماتیک در تاریخ کشور چین محسوب می‌گردد. در حال حاضر چین با ۴۸ کشور از مجموع ۵۳ کشور آفریقایی مناسبات دیپلماتیک دارد و تنها با پنج کشور گامبیا<sup>۲۴</sup>، بوركینافاسو<sup>۲۵</sup>، مالاوی<sup>۲۶</sup>، سوازیلند<sup>۲۷</sup> و سائوتومه<sup>۲۸</sup> مناسبات دیپلماتیک ندارد. در اجلاس پکن، میزان قول داد که کمکهای چین به آفریقا را دو برابر کند و تا سال ۲۰۰۹، پنج میلیارد دلار در قالب وام و اعتبار به کشورهای آفریقایی اعطاء نماید. همچنین دولت چین پذیرش بورسیه ۲۰۰۰۰ نفر از دانش‌آموزان و دانشجویان آفریقایی از ۵۰ کشور آن قاره را تقبل نمود. علاوه بر آن،

اعزام حدود ۱۶۰۰۰ نفر پزشک و بهیار و... به ۴۷ کشور آفریقایی مورد پذیرش قرار گرفت. از سوی دیگر، پکن بدهی‌های برخی کشورهای آفریقایی به ارزش ۱/۴۲ میلیارد دلار را بخشید و بخشش بدهی‌های برخی دیگر به ارزش ۱/۵ میلیارد دلار نیز در دستور کار قرار دارد.<sup>۲۹</sup> در ماه «می» سال ۲۰۰۷، چین اعلام کرد که طی سه سال آتی، دولت این کشور فاینانس دولتی برای امور زیربنایی در آفریقا را تا ۲۰ میلیارد دلار (از طریق اگزیم بانک چین) افزایش خواهد داد.<sup>۳۰</sup> بعنوان یک شاخص و نمونه، در سپتامبر سال ۲۰۰۷ چین اعلام کرد که به دولت جمهوری دموکراتیک کنگو حدود ۵ میلیارد دلار برای مدرن‌سازی بخش معدن و زیرساخت‌های کشور وام خواهد داد. بدین ترتیب و بر اساس پیش‌نویس قرارداد، چین توافق کرد که در مقابل بازسازی شبکه حمل‌ونقل، راه‌آهن و بخش معدن کنگو، شرکتهای چینی امتیاز معادن و عوارض راهها را به عنوان طرح بازپرداخت وام دریافت نمایند.<sup>۳۱</sup>

### نگاه کشورهای آفریقایی به حضور چین:

اما نگاه کشورهای آفریقایی به مناسبات با چین و حضور این کشور در آن قاره به چه شکل است؟ اقتصاد و صنعت آفریقایی به ویژه در حوزه نساجی با هجوم کالاهای ارزان‌قیمت چینی به طور جدی به مخاطره افتاده است.

از سوی دیگر، سرمایه‌گذارهای چین (و همچنین ایالات متحده) در آفریقا که عموماً به حوزه انرژی و نفت محدود می‌گردد، برای مردم آفریقا منافع قابل ملاحظه‌ای را به دنبال ندارد، چرا که بر اساس سیستم‌های سیاسی و حکومتی حاکم در آفریقا، این شیوه سرمایه‌گذاریها در نهایت در حوزه نفوذ نخبگان سیاسی و نظامی قرار داشته و حتی گاهها

انجام کودتا و جنگهای داخلی را سبب می‌گردد. کمتر مشاهده شده که این سرمایه‌گذاریهای موجب انتقال تکنولوژی به این کشورها گردد.

از سوی دیگر، صادرات آفریقا به این کشورها صرفاً در مواد خام خلاصه می‌گردد. بعنوان مثال ایالات متحده دو سوم نفت مورد نیاز خود را وارد می‌کند که از این مقدار، تقریباً حدود ۱۵ درصد از آفریقا (در سال ۲۰۰۸) به آن کشور صادر می‌شود.<sup>۳۲</sup>

در سال ۱۹۷۹، آفریقا روزانه ۶/۸ میلیون بشکه نفت تولید می‌نمود. این رقم در سال ۲۰۰۵ به ۹/۸ میلیون بشکه افزایش یافت. چین بعنوان دومین واردکننده بزرگ انرژی دنیا، حدود شش میلیون بشکه نفت در روز واردات دارد.<sup>۳۳</sup> انتظار می‌رود با توجه به سرعت رشد چین، این رقم تا سال ۲۰۱۵ به دو برابر افزایش یابد.

در حال حاضر یک دهم نفت وارداتی چین از سودان صورت می‌گیرد. شرکت ملی نفت چین (CNPC) بزرگترین سرمایه‌گذار خارجی در سودان محسوب می‌گردد.

**سیاست چین در دارفور:** منابع نفتی سودان بالغ بر ۶/۴ میلیارد بشکه تخمین زده می‌شود. چین سرمایه‌گذاری وسیعی در سودان انجام داده است. علاوه بر احداث تعداد زیادی خط لوله و پالایشگاه، شرکت ملی نفت چین CNPC مهمترین سرمایه‌گذار (۴۰ درصد) شرکت GNPOC<sup>۳۴</sup> بزرگترین شرکت نفت سودان می‌باشد.<sup>۳۵</sup> چین همچنین ۲ میلیارد دلار برای ساخت سد مولد برق Merowe سودان سرمایه‌گذاری کرده است. قرار است این سد در سال جاری به بهره‌برداری برسد.

سودان در سال ۲۰۰۸ پنجمین شریک تجاری چین در حوزه تامین انرژی بود و حدود ۶/۵ درصد از واردات نفت چین را تامین می‌نمود. البته سودان از نظر ذخایر نفتی رتبه ۳۳ را در دنیا داراست. این در حالی است که آنگولا رتبه سیزدهم را دارا می‌باشد. میزان

استخراج نفت سودان در سال ۲۰۰۶، حدود ۳۶۵ هزار بشکه در روز بود که کمتر از میزان پیش‌بینی‌ها بود.

اقدامات و فعالیت‌های گسترده چین در سودان و نیز سیاست‌های پکن در مسئله دارفور با انتقادات زیادی همراه گردیده است. همانطور که پیش از این، مناسبات چین با زیمبابوه و همراهی با رژیم «موگابه» انتقادات وسیعی را به همراه داشت.<sup>۳۶</sup>

مجموع قاره آفریقا ویژگی‌های منحصر به فرد خود را دارد. نخبگان سیاسی، نظامی و اقتصادی کشورهای قاره به شکل سنتی و اصولی به سمت آمریکا، کشورهای غربی و آفریقای جنوبی گرایش دارند. بدیهی است که در چنین فضایی، چین با مشکلات عدیده‌ای مواجه خواهد بود. ولی به نظر می‌رسد که حضور چین و آینده همکاری‌های فی مابین همچنان روند صعودی را طی نماید. بر اساس اظهارات مدیر اجرایی معادن آفریقای جنوبی، تنها سی درصد آفریقا برای اکتشاف ثروتهای معدنی مورد کاوش قرار گرفته است.<sup>۳۷</sup> بدیهی است که چین نمی‌تواند از این قابلیت‌ها و مزیت‌های آفریقا چشم‌پوشی کند. تنها سؤال باقی‌مانده این است که در جهان تشنه به مواد و منابع خام، قاره آفریقا به سمت شرق یا غرب حرکت خواهد کرد.

نباید از نظر دور داشت که برای چین گزینه‌های زیادی برای تامین انرژی و مواد خام مورد نیازش وجود ندارد. با توجه به اینکه سرمایه‌گذاران آمریکایی و اروپایی اکثر منابع باثبات مواد خام را در قبضه دارند، چین چاره‌ای جز انجام مخاطره برای بدست آوردن نیازهای داخلی خود ندارد. بدین ترتیب به نظر می‌رسد که سیاست چین در قبال آفریقا با ریسک‌پذیری بالا، همچنان بر گسترش حوزه نفوذ استوار باشد.

با توجه به سابقه مناسبات آفریقا با چین، این حضور در مجموع با استقبال کشورهای آفریقایی همراه خواهد بود. اخبار و جریاناتی که این روزها مبنی بر تظاهرات علیه چین

(بعنوان استعمارگر جدید) در نیجریه و کنیا و... شنیده می‌شود، غالباً ریشه خارجی دارد. حال باید دید که آیا چین می‌تواند مناسبات دو طرف را تبدیل سیستمی نماید که قادر باشد ناآرامی‌های موجود را کنترل کند. و یا قاره آفریقا در سالهای آتی، صحنه جنگ سرد چین و با ایالات متحده و کشورهای اروپایی برای تامین انرژی و مواد خام مورد نیازشان خواهد گردید؟

آنچه که بدیهی به نظر می‌رسد این است که مناسبات چین و آفریقا بعنوان یکی از چالشهای آتی پکن- واشنگتن مطرح می‌باشد. با توجه به امکان استقرار فرماندهی نظامی AFRICOM ایالات متحده در منطقه آفریقا، بی‌تردید در صورت بروز هر گونه برخورد و درگیری نظامی، چین بازنده بازی خواهد بود.

از منظر اندیشمندان چینی، مقابله با افزایش حوزه نفوذ چین در آفریقا در چارچوب استراتژی ضد چینی غرب قابل تفسیر است. تحلیل‌گران نظامی چین بر این باورند که سازمان اطلاعاتی آمریکا (سیا)، عامل ناآرامی‌های آفریقا در مقابل چین و سرمایه‌گذاران چینی می‌باشد.<sup>۳۸</sup> سیاست سرسختانه چین در سودان نیز که بر خلاف دکترین غالب این کشور (عدم مداخله در امور داخلی سایر کشورها) جریان دارد، بعنوان سمبل تلاقی منافع چین با آمریکا در قاره آفریقا تلقی می‌گردد. در واقع، تامین امنیت انرژی چین در آفریقا در گرو شکست استراتژی آمریکا در آفریقا می‌باشد. به همین خاطر، چین حتی حاضر شده که اعتبار و موقعیت خود در آفریقا را بر سر این موضوع قرار دهد.

شهرام قاضی‌زاده - کارشناس مسائل سیاسی

## پی‌نوشت‌ها

## 1. Zirconium

۲. لیست خرید مواد معدنی چین از آفریقا در حال حاضر به شرح ذیل می‌باشد؛

Aluminum; asbestos; basalt; boric acids; oxides; carbonates; chromium ore; concentrates; coal; cobalt ore, concentrates; diamonds; feldspar; ferroalloys; fluorspar; gold; granite, iron ores; concentrates; leadore,; concentrates; leucite; manganese ores; concentrates, including ferrous manganese iron ore; lime; molybdenum ore; concentrates; nightling; nickel; niobium; syenite; ox metallic; proxometallic acid salts; platinum; porphyry; silver; slacked lime; tin ore; concentrates; titanium oxides; tungsten ore; concentrates; quartz; quartzite; quicklime; tantalum; vanadium; zinc; zirconium ore; concentrates (world Trade Atlas- Index for Chinese Trade Data, Chinese Customs, Trade Law Centre for Southern Africa).

3. Beijing Review, December, 14, 2007

4. <http://www.Trade.Org/pdf/20070220-China-Africa-top20s2007.xls>

5. Free Trade Agreement (FTA)

6. Xinhua, January 14, 2006

7. Martyn Davies, SA Exporter, Business Day, December 2006. Print version

8. BBC, July4, 2007

۹. کمی مقررات کنترل صادرات محصولات نظامی چین دروب سایت ذیل قابل دسترسی است؛

<http://cns.Miis.Edu/research/china/chiexp/regmpe.htm>

10. <http://web.amnesty.org/library/Index/ENGASA170302006>

11. Financial Times, February27, 2006

12. See Sudha Ramachandran, "India pushes people power in Africa" Asia Times, July 13, 2007, sourced at <http://www.Atimes.Com/atimes/South-Asia/IG13Df03.html>

۱۳. سرمایه‌گذاری مستقیم چین در قاره آسیا حدود ۵۳ درصد و در آمریکای لاتین حدود ۳۷ درصد می‌باشد.

۱۴. کل اقتصاد قاره آفریقا به اندازه اقتصاد ایالت اوهایوی آمریکا می‌باشد.

15. Cruzeiro do Sul, January 12, 2007

16. The Brunei Times, October 30, 2007.

17. BBC, September 13, 2002

18. Associated Press, January 9, 2006

19. Paul Collier, Anke Hoeffler and Catherine A Pattille, " Flight capital as a portfolio choice," World Bank Policy Research Working Paper No 2066, February 1999

[http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract\\_id=569197](http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=569197)

20. Chambishi

21. The Times of Zambia, January 4

22. First African Union Conference of Ministers Responsible for Hydrocarbons (Oil and Gas), December 11-15, 2006, Cairo, Egypt

[http://www.africa-](http://www.africa-union.org/root/AU/Conferences/Past/2006/November/infrastructure/doc)

[union.org/root/AU/Conferences/Past/2006/November/infrastructure/doc](http://www.africa-union.org/root/AU/Conferences/Past/2006/November/infrastructure/doc).

23. See the " Forum on China- Africa Cooperation Beijing Action Plan (2007-2009)", the key document emanating from the Beijing Summit in November 2006

24. Gambia

25. Burkina Faso

26. Malawi

27. Swaziland

28. Sao Tome

۲۹. این اطلاعات و آمار و ارقام در جریان جلسه بانک توسعه آفریقایی در می سال ۲۰۰۷ در شهر

شانگهای منتشر گردید.

- 
- <http://www.blackwell-synergy.com/doi/abs>  
<http://www.uofaweb.ualberta.ca/chinainstitute/nav03.cfm>
30. Reuter, June 1, 2007
  31. International Herald Tribune, September 21, 2007
  32. BBC, September 13, 2002
  33. International Herald Tribune, November 13, 2005
  34. Greater Nile Petroleum Oil Company
  35. <http://www.gnpoc.com/ASP/mission.asp?glink=GL001&plink=PL001>
  36. The Herald, January 7
  37. The Gibbs Review, January 2006, Vol.01.
  38. [http://Jenbera.typepad.com/africabeat/2007/02/who\\_is\\_visting.html](http://Jenbera.typepad.com/africabeat/2007/02/who_is_visting.html)